

## در حریم رضوی

## راه‌هایی برای رسیدن

ذره‌بینی برای دیدن جریان اسماء الهی در زندگی

پرده اول: وقتی خوشحالیم، اوضاع‌مان خوب است، خوش می‌گذرد و درد و ملالی نداریم، خب حاملان خوب است دیگر! خدایی نکرده بیمار که نیستیم که بنشینیم و به کمبودها و کاستی‌هایمان فکر کنیم و روز خوش‌مان را بی‌دلیل خراب کنیم!! اما وقتی در معرکه‌ای پرتاب می‌شویم که شاید کمی حاملان را بگیرد و سختی داشته باشد، کم‌کم خیلی چیزها دستگیرمان می‌شود. مثلاً ممکن است بفهمیم صبرمان خیلی کم است؛ یا اینکه علی‌رغم آنچه فکر می‌کردیم خیلی زود عصبانی می‌شویم و هزار نقص و کاستی دیگر که تنها‌وسط همین معرکه‌ها و آزمایش‌های زندگی کشف‌شان می‌کنیم. براساس طبیعت انسانی، در این شرایط باید شروع کنیم به دست و پا زدن برای رفع نیازهایی که آنها را کشف کرده‌ایم ( به این کار می‌گویند دعا).

پرده دوم: «رحمن» (قادرِ افاضه کننده خیر، بدون در نظر گرفتن استحقاق)، چرنکه

## گردان نامه

## مقصد آب

برداشتی از سوره مبارکه زمر- تقدیم به قمر بنی هاشم

با چه بهانه ای می‌خواستند شما را از حسین علیه السلام جدا کنند؟! با تشنه نگاه داشتن شما؟! آنها نمی‌دانستند که ﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ﴾ هر کس که خدا او را هدایت کند برای او گمراه کننده ای نیست!

## قیام مفلحانه

از گردان کوثر

قرآن که می‌خوانی... نه! خوب که قرآن را میخوانی، می‌بینی مؤمنین همیشه در اقلیت بوده‌اند؛ و همین‌طور عاقل‌ها و شاکرها و صابرها و...و البته قائم‌ها!

قرآن که می‌خوانی... نه! خوب که قرآن را می‌خوانی، انبیایی می‌بینی سراسر قیام و التماس برای ایمان آوردن یک نفر، همراه با حسرتی که می‌خواهد جان رسول را بی‌جان کند.

﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ﴾ (سوره مبارکه یس، آیه ۲۰) مؤمنی که تک‌وتنها از آن سر شهر، در سعی است، می‌دود تا بیاید و رو به جمعیت عظیم قوم خود بگوید: ای مردم، پس چرا به رسول ایمان نمی‌آورید؟! رسول را نکشید، او بر حق است! طنین صدای رسایش لرزه بر جان خواب‌آلود آن اکثریت جمعیت می‌اندازد که گیج و مبهوت نمی‌دانند اکثریت خودشان را باور کنند یا این اقلیت تنهای بی‌یاور را که معلوم نیست از کجا این همه دل و جرئت آورده

## جریان از بنیان تا مهارت

از گردان مالک اشتر

جمع و جوامع برای سازماندهی خود نیاز دارند که از دو جهت محتوایی و تشکیلاتی ساماندهی شوند. برای همین لازم است هر از چندگاهی از هر دو بعد خود را بازنگری کنند. در مجموعه همه ملزم به بازنگری هستند؛ هم مربیان، هم کادر تربیتی آموزش‌دیده. اهمیت این دو قسمت تا بدان حد است که بدون رفع موانع در این دو حوزه امکان توسعه و پیشرفت وجود ندارد.

فی‌اندازد که چقدر برایش بندگی کرده‌ای یا نه! آنقدر معرکه‌های مختلف (بخوانید افاضه خیر) در مسیر زندگی‌ات قرار می‌دهد تا نقص‌ها و نیازهایت را بشناسی و پیش از آنکه مهلتت تمام شود و انگشت حسرت به دهان بگیری، فکری به حال خودت بکنی.

پرده سوم: «رب» رحمانی است که به سمت کمال سوق داده، برای رفع نقص تدبیر می‌کند (رحمانی که مالک تدبیر است). معرکه‌های زندگی متفاوت‌اند، اما هدف‌شان همه یکی است، رساندن تو به کمال. وقتی خودت را وسط معرکه‌ای می‌بینی که آب و رنگش با شرایط اطرافیانت فرق دارد، لازم نیست دست و پایت را گم کنی، او خودش بهتر می‌داند که تو از چه راهی نقصت برطرف می‌شود.

پرده چهارم: وجه یگانه حق، که کمال مطلق است در اسماء و وجوه گوناگون بر تو جلوه می‌کند تا تو از هر جهتی کامل شوی! در هر جلوه، از اسمی استعانت بخواه تا یاری‌ات کند و در وجودت اسم او ثبت شود و قدم به قدم به سوی کمال رهسپارت کند.  
مَوْلَايَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومُ إِلَّا الرَّحْمَنُ؛ مَوْلَايَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبُ إِلَّا الرَّبَّ

آخر مگر شما تشنه هم بودید؟! مگر کسی که با حسین علیه السلام است، کسی که در تمام هستی حقیقت جاری خدا را می‌بیند، کسی که همه وجودش، عملش، سمع و بصرش خالص برای خداست، تشنه هم می‌شود؟

بله شما تشنه بودید! اما تشنه حقیقتی که حسین همه هستی‌اش را برای آن داد. شما نه تنها خود دیدید و شنیدید، بلکه با خلوصتان تمام عالم را به دیدن و شنیدن حقیقت حسین علیه السلام در تمام هستی راهنما شدید. دیدن شما بود که راهنمای دیدن انسان شد!

و حرف‌های جدید می‌زند!

قرآن که می‌خوانی... نه! خوب که قرآن را می‌خوانی، می‌بینی اهالی‌اش قیام می‌کنند؛ مثنی و فرادی. از آنجا که مدام نگاه به صاحبشان دارند، که بر او دیوانگی نیست! و فقط قائم است. اما آنقدر این قیام فردی او اکثریت را دیوانه و بهت‌زده کرده که او را دیوانه صدا می‌زنند!

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بَوَاحِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَ فُرَادِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ (سوره مبارکه سبأ، آیه ۴۶)

تک تک... دوتا دوتا... بیایید. فقط بیایید! اما مگر تا قیام نکرد و نایستاد، می‌توان راه رفت و سرعت گرفت و دودید؟! فکر جمعیت و عده را رها کن. فکر قیام باش! ببین!

قرآن را بخوان! اکثریت‌ها همیشه قلیل‌اند!

تو اگر قیام نکنی، فردی و مثنی؛ کاروان با سرعت از جلوی چشمانت دور می‌شود و تو جامی‌مانی، قیام تو حیات توست، نجات توست، فلاح توست. لاقل برای خودت کم نگذار! جان‌ت را و ابدیتت را جدی بگیر. به قدر قیامی، مثنی و فردی!

شاید با بروز مشکل در یکی از این دو حوزه این‌طور به نظر برسد که بهتر است از گسترش و عملیاتی کردن علوم خودداری کرد؛ اما بهتر آن است با ادامه جریان رو به جلو در هر دو حوزه به جمع‌بندی رسید.

عمدتاً در حوزه محتوا مشکل آنجا است که بحث‌های کلی تبدیل به مهارت نمی‌شود. پایین نمی‌آید و اجرایی و عملیاتی نمی‌شود. در نتیجه بحث را کد باقی مانده و در زندگی جاری نمی‌شود. در واقع باید فضای محتوا را به سمتی برد که به بدنه جامعه انتقال پیدا کند. نباید جمع‌طوری باشد که افراد با ورود به آن از بدنه جامعه فاصله بگیرند و نحوه فعالیتشان باید طوری باشد که بتوانند در خانواده یا مکانی مثل مسجد ایفای نقش کنند.

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت علیهم‌السلام (کاشفیون)

صاحب امتیاز: احمدرضا اخوت

سردبیر: نعیمه پورصالحی

وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نَاطِقٌ لَا يَعْيًا لِسَانُهُ  
وَ بَيَّتٌ لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ وَ عِزٌّ لَا تُهْزَمُ أَعْوَانُهُ.

کتاب خدا در میان شماست،  
سخن‌گویی است که زبانش از گفتن خسته نمی‌شود،  
سرایي است که ارکانش ویران نمی‌گردد  
و عزتی است که یارانش شکست نمی‌خورند.

نهج البلاغه ، خطبه ۱۳۳

• محبوبه علی تنه

• از گردان علی بن ابیطالب علیه السلام

• عطفه اصفهانی

• ناهید باباشاهی

